

تبیین اعجاز تشریحی قرآن در تفاسیر معاصر (مطالعه موردی تفاسیر المنار و نمونه)

محمد مولوی*

معصومه خلیلی**

چکیده

یکی از ابعاد اعجاز قرآن کریم «اعجاز تشریحی» است؛ بدین معنا که احکام شرعی قرآن در ابعاد فردی و اجتماعی ویژگی‌هایی دارد که هیچ بشری قادر به عرضه هم‌اوردی برای آن نیست. هماهنگی قرآن با عقل و فطرت، توجه به تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، مبرا بودن قرآن از هر گونه تناقض، ارائه آن توسط فردی درس‌نخوانده، توافق قوانین قرآن با علم و ... زمینه‌ساز اعجاز تشریحی شده است. مفسران همواره به این بُعد از اعجاز توجه کرده و به تبیین آن پرداخته‌اند. از جمله این مفسران رشیدرضا در تفسیر المنار و آیت‌الله مکارم در تفسیر نمونه‌اند؛ آن‌ها در تفاسیر خود به مسائل اجتماعی توجه فراوان کرده و تلاش کرده‌اند تا اعجاز قرآن را در این بُعد بیش‌تر نشان دهند. از این رو، جامعه‌نگری و برداشت‌های اجتماعی از آیات قرآن در تفاسیر المنار و نمونه به شکل گسترده به چشم می‌خورد. این تحقیق با پژوهش در این تفاسیر نشان داده که، از نظر این مفسران، مهم‌ترین وجه اعجاز قرآن نه اعجاز ادبی، بلکه اعجاز تشریحی است و همه معارف الهی، اصول عقاید، احکام عبادات، قوانین، فضایل و آداب و قوانین سیاسی، مدنی و اجتماعی قرآن کریم که با شرایط همه زمان‌ها و مکان‌ها سازگار است از والاترین ابعاد اعجاز قرآن است.

کلیدواژه‌ها: اعجاز تشریحی قرآن، رشیدرضا، مکارم شیرازی، تفسیر المنار، تفسیر نمونه.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین (نویسنده مسئول)

molavi@isr.ikiu.ac.ir

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (ره) m.khalili1392@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۰

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین وجوه برتری قرآن کریم به منزله برترین کتاب آسمانی، در مقایسه با کتب ادیان دیگر، الهی و غیر بشری بودن آن است. همین وجه امتیاز سبب شده تا دانش‌مندان از همان زمان نزول به اعجاز قرآن و تبیین وجوه مختلف آن توجه خاص داشته باشند و تحقیقات فراوانی در این باره انجام دهند. برخی از این وجوه مختلف اعجاز عبارت‌اند از: هماهنگی و نبودن اختلاف، اخبار از غیب، فصاحت و بلاغت قرآن (اعجاز بیانی)، اُمی بودن آورنده آن، اعجاز علمی و مهم‌تر از همه اعجاز تشریحی قرآن که ضامن جاودانگی قرآن و پای‌داری جوامع انسانی است.

معتقدان به اعجاز تشریحی فهم‌های مختلفی از این اعجاز دارند و تعاریف گوناگونی درباره آن ارائه داده‌اند. برخی نداشتن تضاد و تناقض و دارا بودن استحکام معنایی را اعجاز تشریحی دانسته و برخی آن را از جهت نوآوری‌های مفاهیم دینی می‌دانند؛ بدین معنا که قرآن، در دو بخش معارف و احکام، راهی پیموده که تا آن روز بشریت بدان راه نیافته بود و تا ابد نیز بدون راه‌نمایی دین دست‌یابی به آن امکان‌پذیر نیست و بعضی فقط جنبه دستورالعملی و قانون‌گذاری قرآن را اعجاز تشریحی می‌دانند؛ و بالاخره بسیاری از مفسران اعجاز تشریحی را به تمام احکام و معارف قرآن اطلاق کرده‌اند. شاید بتوان گفت این اختلاف در تعاریف از تفاوت در گرایش‌های تفسیری مفسران اعم از این‌که کلامی، فقهی و ... باشد ناشی شده است.

از آن‌جا که تمامی آیات قرآن دستورهایی عملی، عام و فراگیر است و بر همه مسلمانان واجب است که زندگی فکری و عملی خویش را بر آن منطبق سازند، صحیح است که گفته شود آیات مرتبط با اعمال مکلفان از ۵۰۰ آیه بیش‌تر است و تقریباً به دو هزار آیه می‌رسد و تمام شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد (معرفت، ۱۳۷۹: ۲/۳۵۴). بنابراین، همه مقررات مختلفی که در جامعه ضرورت پیدا می‌کند باید از متن احکام کلی قرآن کریم فهمیده و شناخته شود، چرا که قرآن کریم علاوه بر معارف و تعالیم مربوط به مبدأ و معاد و مسائل اخلاقی و دستورات عبادی یک رشته «قوانین اجتماعی» را هم که ترسیمی از قانون اساسی اسلام و قوانین مدنی و جزایی آن است به همراه دارد. قرآن از این منظر بر اعتدال و میانه‌روی، هویت جامعه اسلامی، وحدت امت، نظام‌های سیاسی - اجتماعی، آزادی عقیده و ... تأکید می‌کند.

علامه مغنیه درباره اعجاز تشریحی قرآن می‌گوید:

به قرآن نگرینم، دیدم حقیقت آن کتاب دین داری و هدایت و کتاب اصلاح بشر و قانون گذاری است و روش زندگی صحیح را به بشر آموزش می دهد؛ روشی که بر پایه و مبانی درستی استوار، و در آن امنیت و عدالت حاکم است (مغنیه، ۱۴۲۴: ۱۳/۱).

تدوین کتاب *اقتصادنا* به دست آیه الله سید محمدباقر صدر تلاشی درخور در این باره است. علامه طباطبایی، ذیل آیه ۳۲ سوره نساء، به رد نظریه الغای مالکیت خصوصی در سوسیالیسم و نیز رد نظریه افراط در مالکیت خصوصی در نظام سرمایه داری غرب پرداخته و موضع صحیح اسلام را در برابر این دو نظریه تبیین کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۳۳۶-۳۴۱).

درباره پیشینه توجه به اعجاز تشریحی قرآن نیز می توان گفت نظریه اعجاز تشریحی ریشه تاریخی دارد و دانش مندانی چون باقلانی اشاراتی به آن داشته اند (باقلانی، بی تا: ۴۷)؛ ولی بیش تر در دوران معاصر مورد توجه واقع شده است. تأکید بر این بُعد را برای نخستین بار در نوشته های علامه بلاغی می بینیم (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۱۳/۱-۱۴). اعجاز تشریحی پس از وی در آثار علامه طباطبایی و خوبی از شاگردان علامه بلاغی انعکاس یافت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۶۰؛ خوبی، بی تا: ۷۲-۷۹) و پس از این دو نیز در آثار دیگران از جمله تألیفات آیت الله معرفت به طور مبسوط تری به بحث گذاشته شد (معرفت، ۱۴۱۵: ۶/۲۱۱-۳۳۰). هم زمان با علامه بلاغی، رشید رضا در *تفسیر المنار* یکی از وجوه اعجاز قرآن را اعجاز در علوم دینی و تشریح معرفی کرده است (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۱/۱۷۱). پس از وی زرقانی در معرفی چهارمین وجه اعجاز قرآن در بحث «وَقَاؤُهُ بِحَاجَاتِ الْبَشَرِ» به زمینه های متنوع و مختلفی از تشریحات قرآن کریم اشاره کرده و برای اثبات آن به مقایسه احکام فردی و اجتماعی قرآن با قوانین مصوب در کشورهای غربی پرداخته است (زرقانی، ۱۴۰۹: ۳۴۱). اعجاز تشریحی در سال های بعد بیش تر مورد توجه قرار گرفت و مفسرانی هم چون مکارم شیرازی، جعفر سبحانی، ابوزهره، ابن عاشور، سید قطب و ... به این بعد از اعجاز قرآن توجه ویژه ای داشته اند، به گونه ای که کتاب های مستقلی مانند *القرآن و اعجازه التشریحی* نوشته اسماعیل ابراهیم در این زمینه به رشته تحریر درآمد.

با توجه به آنچه گذشت، می توان گفت این تحقیق درصدد است تا به بررسی و تحلیل ابعاد اعجاز تشریحی قرآن در تفاسیر معاصر با تکیه بر دو *تفسیر المنار* و *نمونه*، که هر دو از تفاسیر معاصر و معروف اجتماعی - تربیتی در مصر و ایران است، بپردازد. علت انتخاب این دو تفسیر هم زمان شکل گیری و نگارش آنهاست که از اهمیت خاصی برخوردار است و هم گرایش اجتماعی - تربیتی و اصلاحی مفسران آنها. درباره پیشینه تبیین ابعاد

اعجاز تشریحی در تفاسیر معاصر و به‌ویژه این دو تفسیر نیز باید گفت که تحقیق منقح و علمی در این باره نوشته نشده است؛ از این رو، این مقاله به کاوش و تحلیل وجوه و ابعاد اعجاز تشریحی قرآن در این دو تفسیر می‌پردازد.

۲. تفسیر المنار و رویکرد اجتماعی آن

تفسیر المنار تفسیری بلندآوازه و معروف است که در آغاز قرن چهاردهم هجری تألیف شده و محصول تفکرات عبده و به املائی رشیدرضا است. نگارش تفسیر المنار هم‌زمان با جنبش‌های اصلاحی و دینی است؛ این تفسیر با دریافت جدیدی از دین و قرآن پا به عرصه اجتماع و متن زندگی مسلمانان نهاد و بر تفاسیر پس از خود تأثیر زیادی گذاشت. شخصیت علمی و اجتماعی شیخ محمد عبده، طرح آرا و افکار نو در حوزه دین‌پژوهی و رویکرد جامعه‌نگری، اصلاحی، علمی و تربیتی به قرآن از علل مهم شهرت تفسیر المنار است.

خصوصیت مکتب تفسیری عبده «توجه به بعد اجتماعی آیات و تبیین سنت‌های جهان و نظام جامعه» است. وی آن‌چه را برای اصلاح وضعیت جامعه مسلمانان به نظرش می‌آمد ضمن تفسیر آیات قرآن بیان می‌کرد (امین، ۱۹۶۰: ۹۳). رشیدرضا درباره‌ی اهتمام عبده به گرایش اجتماعی در تفسیر می‌گوید:

از آن‌جا که المنار تفسیری علمی، عملی، روایی و متناسب با عصر کنونی است، بر ما لازم بود وضعیت کنونی مسلمانان را نسبت به غاصبان کشورهای اسلامی و آن‌ها که بر دین و دنیای ملت مسلمان جنایت می‌کنند تبیین کنیم (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۲۴۷/۱۰).

هم‌چنین، در جایی دیگر در فصلی مستقل درباره‌ی دارالاسلام و دارالحرب، حقوق ادیان و اقوام در این زمان، وضعیت مسلمانان از صدر اسلام تا کنون (زمان حیات رشیدرضا) سخن گفته که نشانه‌های بیداری و آگاهی، دعوت مسلمانان به وحدت و پذیرفتن مسئولیت از گفتار وی مشهود است (همان: ۲۷۴-۲۸۲).

از نظر عبده دو نوع روش تفسیری در طول تاریخ تفسیر وجود داشته: یکی، تفسیر خشک و بی‌روح که انسان را از خدا و قرآن دور می‌سازد. در این گونه تفسیر، هدف تحلیل الفاظ، اعراب جمله‌ها و بیان منتهی‌الیه اشاره‌ها و نکته‌های فنی است. چنین تفسیری را نمی‌توان تفسیر نامید، زیرا نوعی تمرین در فنون بلاغت، نحو و امثال آن به شمار می‌آید؛ دوم، تفسیری که مفسر به سراغ قول خدا و «حکمت تشریح احکام و عقاید» می‌رود، به شکلی که دل‌ها را جذب می‌کند و به عمل و هدایتی که در کلام الهی است رهنمون می‌شود

و مصداق عینی کلام خدا قرار می‌گیرد (همان: ۱/ ۲۲). سپس خود روش دوم را می‌پسندد و تفسیر خود را از قسم دوم می‌داند؛ از این رو، کم‌تر آیه‌ای از آیات قرآن را می‌توان در تفسیر المنار پیدا کرد که در تفسیر آن به‌نوعی مسائل اجتماعی مورد توجه قرار نگرفته باشد؛ حتی آیات فقهی و عبادی نیز از مباحث اجتماعی به دور نمانده است.

رویکرد تفسیر المنار به مسائل اجتماعی ریشه در باور احیای تفکر دینی و بازگشت به سرچشمه‌های اصیل دین داشت که مستلزم جست‌وجوی راه حل مشکل جوامع اسلامی و تصحیح باورهای آنان از راه برنامه‌های قرآنی بود، چه این که به عقیده مصلحان مسلمان یکی از هدف‌های مهم قرآن تأمین سعادت دنیوی انسان‌ها در هر دو بعد فردی و اجتماعی است. بنابراین می‌توان گفت از نظر المنار اهداف و مقاصد قرآن عبارت‌اند از: اصلاح دینی؛ اصلاح انسانی، اجتماعی و سیاسی؛ اصلاح نظام جنگی و جلوگیری از مفاسد آن؛ اصلاح نظام مالی و اقتصادی؛ تأمین حقوق انسانی؛ تأمین راه‌های آزادی بردگان؛ بیان احکام سیاسی و حکومتی؛ بیان انواع، مبانی و اصول حکومت؛ بیان امور نبوت و وظایف انبیا که برای بشر مجهول است؛ و بیان برتری‌های اسلام در تشریح تکالیف فردی و شخصی. در این بررسی، چنان‌که پیداست، فقط مقدار کمی از هدف‌های قرآن به احکام فردی و شخصی مربوط می‌شود و بیش‌تر احکام درباره اصلاح، هدایت و بهبود امور جامعه است. رهاورد طبیعی این نوع نگرش به معارف قرآن این است که مفسر هنگام تفسیرنویسی به طرح مسائل اجتماعی چند برابر احکام فردی توجه نشان دهد و این کاری است که در تفسیر المنار انجام یافته است (شلتوت، بی تا: ۴۶۹؛ برای نمونه‌های بیش‌تر ← رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۲/ ۳۰۱؛ ۴/ ۲۸۸؛ ۷/ ۵۲؛ ۹/ ۵۳۲؛ ۱۰/ ۴۴، ۴۳۶).

۳. ابعاد اعجاز تشریحی قرآن در تفسیر المنار

شیخ محمد عبده در جلد اول تفسیر المنار فصل مستقلی را با عنوان «تحقیق وجوه اعجاز در نهایت اختصار و ایجاز» به موضوع اعجاز اختصاص داده است. عبده در آغاز این فصل درباره اهمیت توجه به اعجاز قرآن گفته است:

پژوهش‌گران در این باره گفته‌ها و آرای‌ها دارند و در این زمینه رساله‌ها و کتبی تألیف شده است. من این فصل را بدان سبب آوردم که می‌دانم مسلمانان، خود، بسیار به این بحث نیازمندند، چه رسد به مسئله دعوت دیگران و استدلال به قرآن و اعجاز آن از سوی مسلمانان در برابر آنان (همان: ۱/ ۱۹۹).

عبده در این فصل وجوه مختلف اعجاز قرآن را به طور تفصیلی بیان کرده که عبارت‌اند از: اعجاز قرآن در اسلوب و نظم، اعجاز بلاغی قرآن، اعجاز علمی قرآن، برکنار بودن از هر گونه اختلاف، اخبار از غیب اعم از حوادث گذشته و آینده، اشتغال بر قوانین و احکام اجتماعی، و در نهایت جاودانه بودن قرآن برای همه اعصار و دوران‌ها (همان: ۱۹۹-۲۱۰).

از آن‌جا که تحلیل همه وجوه اعجاز در تفسیر المنار خارج از محدوده این پژوهش است، در این مقاله صرفاً به تحلیل و تبیین وجوه و ابعاد «اعجاز تشریحی قرآن کریم» پرداخته می‌شود.

از نظر مؤلف المنار، توجه داشتن به حکمت احکام شرعی و مقاصد عالیة خداوند از وضع چنین احکامی از ابعاد اعجاز تشریحی قرآن است. مسائلی مانند حاکمیت جامعه اسلامی، حقوق زن، مسائل مربوط به ارث، مسئله ربا، تعدد زوجات و ... از جمله این موارد است که هر یک بنا به حکمتی برای جامعه اسلامی وضع شده است (اسعدی، ۱۳۸۹: ۲/۴۳۶). جامعه‌نگری و برداشتهای اجتماعی و کاربردی از آیات قرآن در بسیاری از مجلدات المنار به شکل گسترده به چشم می‌خورد (تاج‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۴). رشیدرضا خود نیز بیان می‌کند که المنار تفسیری عصری و متناسب با زمان است (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۱/۶۷؛ ۲/۲۰۵؛ ۱۰/۳۱۲).

توجه به بعد اجتماعی آیات و به عبارتی دیگر جامعه‌نگری نویسندگان المنار به قرآن را در موارد ذیل می‌توان جست‌وجو کرد. این موارد نمونه‌هایی از جلوه‌های اعجاز تشریحی قرآن محسوب می‌شوند:

۱. شناخت قوانین کلی الهی در جهان و اجتماع بشری؛ رشیدرضا با همین رویکرد در پایان تفسیر برخی سوره‌ها بحثی را با عنوان «فی سنن الله تعالی فی الاجتماع و عمرانہ البشری» طرح و به تفصیل درباره سنت الهی یاد شده در سوره بحث می‌کند (همان: ۹/۵۷۶؛ ۱۰/۱۳۵؛ ۸/۲۸۵)؛

۲. تبیین کاربرد دین در اصلاح زندگی اجتماعی (همان: ۲/۳۳۹؛ ۱۰/۳۶۲؛ ۱۱/۳۱۶)؛

۳. تبیین فلسفه احکام و قوانین حقوقی و اخلاقی اسلام (همان: ۱۰/۱۲۱؛ ۲/۴۴۱)؛

۴. تبیین اصول و مبانی و سیمای حکومت اسلامی (همان: ۲/۴۴۱؛ ۱۱/۱۱۹؛ ۱۰/۱۳۹-۱۴۴)؛

۵. بازشناسی علل تفرقه امت و ارائه راه‌کارهایی برای تحقق وحدت (همان: ۸/۲۲۸-۲۱۳)؛

۶. دفاع از باورهای اعتقادی و قوانین کیفری و حقوقی اسلام (همان: ۱۲۳/۲-۱۲۵؛ ۶۸/۱۰، ۱۴۱؛ رومی، ۱۴۰۷: ۳۸۳-۴۱۰).

همان گونه که مشاهده می‌شود این موضوعات همه ناظر به احکام و تشریحات قرآن درباره مسائل اجتماعی و در جهت جامعه‌سازی است. عبده و رشیدرضا در این تفسیر تلاش می‌کنند تا این بعد از اعجاز قرآن را برای مخاطبان بیش‌تر و دقیق‌تر نمایان کنند.

درباره تنافی قرآن و علم و تمدن جدید، نویسندگان المنار معتقدند که نه تنها احکام شریعت و تمدن جدید هیچ تنافی و تضادی ندارند، بلکه میان قرآن و تمدن جدید وفاق کامل برقرار است. عبده، بر اساس باوری که به جاودانگی و جهانی بودن تمدن و آیین اسلام دارد، معتقد است در اسلام حکمی که منافی بخش‌های مورد اتفاق تمدن جدید باشد وجود ندارد. رشیدرضا نیز با اعتقاد به کفایت قرآن و سنت پیامبر (ص) می‌گوید:

من آماده‌ام تا میان اسلام حقیقی و آنچه دولت عثمانی برای پیش‌رفت خود از تجربه‌های فرنگیان گرفته توفیق و آشتی دهم، به شرط آن که مرا به مذهب خاصی از مذاهب فقهی ملزم نکنند و فقط ملزم به قرآن و سنت صحیح باشم (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۱۲/۲۳۹).

نویسندگان المنار خود را موظف می‌کردند تا به شبهه ناسازگاری قرآن و احکام آن با قوانین دنیای معاصر خود نیز پاسخ‌گو باشند. در واقع، تلاش رشیدرضا در پاسخ به ناسازگاری احکامی چون قصاص، دیات، ارث، حقوق زن و شراب‌خواری با تجربه‌های تمدن غربی نمونه‌هایی از این نوع تلاش محسوب می‌شود. ایشان در همه این موارد و مواردی مانند آن تلاش می‌کنند تا بدون تقید به مذهب خاصی راه‌کارهای قرآنی ارائه دهند (همان: ۱۲۵-۱۲۳، ۳۲۸؛ ۵۵/۷).

نکته مهمی که در تبیین احکام فردی و اجتماعی در تفسیر المنار باید در این جا مورد تأکید قرار گیرد توجه به «اصل مصلحت» در تبیین احکام قرآن از سوی مفسر است. رشیدرضا در توجه به بعد تشریحی آیات «اصل مصلحت» را امری مهم می‌داند. همین رویکرد مصلحت‌اندیشانه و عقل‌گرای نویسندگان المنار در برخورد با برخی از احکام و قوانین اجتماعی نگرش‌های فقهی و حقوقی جدیدی را به دست داده است؛ در واقع، این اصل در چهارچوب مباحث مرتبط با «مقاصد شریعت» قرار می‌گیرد که عمدتاً از سوی شاطبی، عالم مالکی مذهب قرن هشتم هجری، در الموافقات به صورت نظام مند مطرح شده و پیش از او در سخنان غزالی، ابن تیمیه و ابن قیم آمده است (حسنی، ۱۳۸۳: ۹۷).

شایسته یادآوری است که نصوص، متون دینی و عقل سلیم بر هدف مند بودن شریعت اسلام دلالت دارد و بدون هیچ تردیدی قرآن، احادیث و عقل معتبرترین منبع برای تبیین مقاصد شریعت اند؛ بنابراین، باید در تفسیر مقاصد شریعت به این سه منبع رجوع کرد. هم چنین، در کشف و تفسیر مقاصد نباید از این نکته غافل شد که این مقاصد در راستای رسیدن به هدف خلقت است؛ زیرا پی گیری دو هدف متفاوت در تکوین و تشریح با حکمت خداوند سازگار نیست و از آن جا که قرآن، حدیث و عقل آشکارا معرفت خداوند و پرستش آگاهانه او را هدف خلقت تمام موجوداتی که بر ایشان پیامبر و کتاب آسمانی فرستاده شده می داند، طبیعتاً در تشریح و قانون گذاری برای جامعه نیز همین مد نظر است (اسعدی، ۱۳۹۲: ۴۴۷؛ علی دوست، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

عبد و رشیدرضا گاه ظواهر احکامی را که با نگرش مصلحت اندیشانه عرفی هم گون نبوده توجیه کرده و در واقع عنصر تأویل را در مصلحت در تشریحات دخالت داده اند و در آنچه نص قاطع در دست نیست نگرش های عقلانی را بر ظهور ادله نقلی مقدم می دانند. این امر گاه به تحدید و تضییق در احکام می انجامد و گاه به توسعه و تسهیل؛ در باب تعدد زوجات و ازدواج موقت، دیدگاه مزبور به نوعی با تضییق حکم همراه است و در باب ربا و غنا و خوراکی های حرام این دیدگاه به توسعه و تسهیل دامن زده است. جالب توجه است که هر یک از این احکام به نوعی با تجربه های تمدن غربی در چالش بوده است (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۹۳/۳).

برای نمونه، عبد بر این عقیده بوده است که سیستم ربوی در بانک های کشورهای اسلامی برای جلوگیری از انتقال مال مسلمانان به کفار جایز است (رشیدرضا، ۱۹۳۱: ۱/ ۹۴۴). هم چنین، در دیدگاه یادشده، تحریم برخی خوراکی ها در روایات، فراتر از آنچه در آیاتی چون ۱۷۳ سوره بقره و ۱۴۵ سوره انعام آمده، صرفاً احکامی عَرَضی^۱ و نه ذاتی^۲ شمرده شده که در شرایطی که با مصالح اهم اجتماعی در چالش باشد یا به مفاسدی بینجامد چشم پوشیدنی است (همان: ۲/ ۹۹؛ ۳/ ۹۳؛ ۸/ ۱۴۸-۱۷۰).

عبد معتقد است از تأمل در آیه ۳ و ۱۲۹ سوره نساء می فهمیم که اباحه تعدد زوجات بسیار محدود و در حد ضروری مطرح است و فقط برای نیازمندان، مشروط به اطمینان از عدالت ورزی و نبودن خوف و نگرانی از ظلم و بی عدالتی، رواست (همان: ۴/ ۳۴۸). وی، با توجه به مفاسدی که در جامعه مصر در پی رواج این مسئله بیان می کند (همان: ۴/ ۳۵۹-۳۶۳)، تأکید دارد که تربیت امتی که در آن تعدد زوجات شایع باشد ممکن نیست، مگر آن که زنان به درستی تربیت دینی شوند و دین را بر دل های خود حاکم کنند

(همان: ۳۵۰). از این رو، وی، با تکیه بر قاعده لزوم رعایت مصلحت و دفع مفسده و نفی ضرر، تجدید نظر عالمان دین را در این حکم توصیه می‌کند (همان).

هم‌چنین عبده در تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء، با تکیه بر قید «مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ» در نکاح، ازدواج موقت را باطل می‌شمارد. عبده چنین می‌پندارد که بر اساس این قید مرد باید همسرش را احسان و محافظت کند و از آسیب نگاه دارد و ازدواج موقت، اگر فقط برای تمتع جنسی باشد، با مصلحت و حکمت مقرر آن و قید گذشته ناسازگار است و باطل خواهد بود (همان: ۹/۵). رشیدرضا نیز دیدگاه یادشده را می‌پذیرد و در عین حال مفهوم «احسان» را شامل احسان و محافظت اخلاقی و جنسی از خود زوج هم می‌شمارد (همان: ۱۴-۱۶؛ خویی، بی‌تا: ۴۲۱).

صاحب المنار در باب تجدید نظر در احکام اسلامی و تطبیق آن‌ها با مقتضیات خاص زمانی می‌گوید: حاصل قصد ما در قضا و سیاست اسلامی آن است که باید اهل حل و عقد از علما و فضلا فراهم شوند و کتابی مبتنی بر قواعد راسخ شرع و قرآن کریم و موافق با احوال زمان که سهل‌المأخذ باشد و خلافی در آن یافت نشود تألیف کنند؛ آن‌گاه امام به حکام مسلمانان فرمان دهد تا بر وفق آن عمل کنند (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۴/۸۶۶).

گرایش اجتماعی مفسران المنار در تفسیر سبب شده که آنان به مناسبت‌های گوناگون نه فقط در آیات اجتماعی و احکام، بلکه ضمن آیات اعتقادی و اخلاقی و یا حتی ضمن مباحث ادبی نیز به جست‌وجوی اجتماعیات باشد و به دنبال راه‌حلی برای مشکلات جامعه و در حقیقت جامعه‌سازی باشند؛ برای نمونه، در تفسیر آیه «وَلَنْتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ» (آل عمران: ۱۰۴) می‌نویسد: برخی مفسران و صاحب‌نظران مانند جلال‌الدین سیوطی و قبل از او زمخشری در کشف «من» را برای تبعیض دانسته و معتقد شده‌اند که امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است، ولی عبده خود معتقد است که امر در این‌جا عام است (همان: ۴/۲۳). البته علامه طباطبایی با نظر عبده مخالف است و آن را «من» تبعیضی می‌داند؛ وی معتقد است که اگر «من» بیانیه باشد، آیه معنا ندارد، زیرا اگر افرادی از جامعه کاری را انجام دهند دیگر معنا ندارد که دیگران دوباره آن را انجام دهند؛ بنابراین، تبعیضیه گرفتن آن صحیح‌تر است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۳۷۳).

در مجالی دیگر، نویسنده تفسیر المنار از آیاتی چون «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۷۵) نتیجه‌های اجتماعی گرفته و می‌گوید:

هر کس در این آیه به شایستگی درنگ کند درمی یابد که مؤمن راستین سست‌عنصر و ترسو نیست؛ شجاعت صفت پای دار مؤمنان است. این در حالی است که در گذر زمان مسلمانان دچار ضعف ایمان و ترس شده‌اند و اگر به این حال در نمی‌افتادند، نیروی بزرگی را تشکیل می‌دادند (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۴/۲۰۲).

بسترهای دیگر درس‌آموزی مسائل اجتماعی در تفسیر المنار را می‌توان ذیل آیات قصص جست‌وجو کرد. چنان‌که ذیل آیات ۲۴۷ و ۲۴۸ سوره بقره، ضمن توضیح داستان طالوت، فصلی را با عنوان «سنت‌های اجتماعی در قرآن» گشوده و تلاش دارد تا از سرگذشت بنی اسرائیل پیام‌های پای‌دار اجتماعی را نتیجه بگیرد و در پرتو این اهتمام توانسته از آیات یادشده اصول اجتماعی را استنباط کند (همان: ۳/۵۰۵؛ همان: ۱/۶۷؛ ۲/۲۰۵). در جایی دیگر، عبده معتقد است سه‌چهارم قرآن ناظر به قصص امت‌های پیشین است تا مسلمانان، با تأمل و واکاوی احوال و اوضاع امت‌های پیشین، علل و عوامل کفر، ایمان، شقاوت، سعادت، انحطاط، تمدن، عزت و ذلت آنان را بشناسند و از آن‌ها عبرت گیرند؛ زیرا سنت‌های اجتماعی خداوند یک‌سان و ثابت است (همان: ۱/۶۷؛ ۲/۲۰۵).

در پایان، نشان دادن برتری احکام و تشریعیات دین اسلام از احکام سایر ادیان از دیگر دغدغه‌های اجتماعی مفسران المنار بوده است و این خود بعدی دیگر از ابعاد اعجاز تشریحی قرآن را نشان می‌دهد. برای نمونه، نویسنده المنار ذیل آیه «یا ایها الذین آمنوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصَاصُ» (البقره: ۱۷۸) به مقایسه قوانین کیفری شریع مختلف و هم‌چنین مقایسه قوانین اسلام با قوانین جزایی کشورهای غیر اسلامی پرداخته و مزایای حدود و حقوق اسلام را تبیین کرده است. سپس درباره این‌که مخاطب آیه گروه خاصی از مردم‌اند یا همه مردم می‌نویسد: «همه مؤمنان مخاطب آیه‌اند و همه امت مسئول اجرا و حفظ شریعت و خضوع در برابر قوانین دین‌اند» (همان: ۲/۱۰۱).

بنابراین، از آن‌چه درباره تفسیر المنار گذشت می‌توان نتیجه گرفت که آشکار ساختن اعجاز تشریحی قرآن در این تفسیر از مهم‌ترین دغدغه‌های مفسران آن بوده؛ به گونه‌ای که در تفسیر همه انواع آیات می‌توان نشانه‌های آن را یافت. علاوه بر این، تفسیر المنار در تلاش است بین قرآن و تمدن جدید آشتی برقرار کند و برتری قوانین قرآن و شریعت اسلام را بنمایاند. در واقع، تلاش رشیدرضا در پاسخ به ناسازگاری احکامی چون قصاص، دیات، ارث، حقوق زن و شراب‌خواری با تجربه‌های تمدن غربی نمونه‌هایی از این نوع تلاش محسوب می‌شود.

توجه ظواهر برخی احکام قرآن به سبب نگرش مصلحت‌اندیشانه عرفی و دخالت دادن

عنصر تأویل در مصلحت در تشریحات نمونه‌های دیگر این نوع از اجتماعی‌نگری در تفسیر المنار و توجه به مسائل اجتماعی و رفع تعارض میان علم و دین و در حقیقت تبیین اعجاز تشریحی قرآن است.

۴. تفسیر نمونه و رویکرد اجتماعی آن

تفسیر نمونه از تفاسیر معاصر است که در ۲۷ جلد و در مدت ۱۴ سال تحریر شده است. این تفسیر، با گرایش تربیتی - اجتماعی، برای تبیین بعد هدایتی قرآن و آشکارسازی اعجاز تشریحی آن به مناسبت‌های مختلف از موضوعات اجتماعی سخن به میان می‌آورد. مفسر تفسیر نمونه، با درک صحیح نیازهای فرهنگی عصر حاضر و اطلاع از شبهات و پرسش‌های مذهبی جوانان و روشن‌فکران، با بهره‌گیری از مهم‌ترین تفسیرهای اهل سنت و شیعه، به تفسیر کتاب خدا پرداخته،^۳ به صورتی که پاسخ‌گوی سؤال‌ها و اشکالات باشد و چهره نورانی قرآن را به همگان نشان دهد. مؤلف تفسیر نمونه در مقدمه می‌نویسد:

هر عصری ویژگی‌ها، ضرورت‌ها و تقاضاهایی دارد که از دگرگون شدن وضع زمان و پیدا شدن مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی سرچشمه می‌گیرد. هم‌چنین هر عصری مشکلات و پیچیدگی‌ها و گرفتاری‌های مخصوص به خود دارد که آن نیز از دگرگونی اجتماعات و فرهنگ‌ها، که لازمه تحول زندگی و گذشت زمان است، می‌باشد. افراد پیروز و موفق آن‌ها هستند که هم آن نیازها و تقاضاها را درک می‌کنند و هم این مشکلات و گرفتاری‌ها را، که مجموع آن‌ها را 'مسائل عصری' می‌توان نامید (مکارم، ۱۳۷۴: ۱/۲۳).

نکته آخر درباره اهمیت این تفسیر این است که به سبب ویژگی‌های خاصش به زبان‌های متعددی از جمله انگلیسی، بنگلادشی، اردو و عربی ترجمه شده است. ایشان هم‌چنین در پاسخ به این پرسش که کدام تفسیر شایسته مطالعه است گفته:

تفسیری که بتواند عظمت قرآن را به تحقیق (و نه تقلید) به ما نشان دهد و به نیازها و دردها و مشکلات ما در این عصر پاسخ گوید و در عین حال برای همه طبقات مفید باشد و اصطلاحات علمی ناهمواری‌هایی در جاده‌های صاف و روشن آن ایجاد نکند (همان: ۱/۲۰).

همین رویکرد سبب شده تا مفسر نمونه توجه به احکام اجتماعی و راه حل مسائل و مشکلات جامعه را سرلوحه کار خود قرار دهد و از این طریق بعد اعجاز تشریحی قرآن نیز آشکار می‌شود (همان: ۳/۸۷، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۵۷؛ ۲۲/۱۷۶).

- نویسنده تفسیر نمونه خود، در آغاز، ویژگی‌های این تفسیر را چنین برمی‌شمارد:
- الف)** از آن‌جا که قرآن کتاب زندگی و حیات است، در تفسیر آیات، به جای پرداختن به مسائل ادبی و عرفانی و مانند آن، توجه خاصی به مسائل سازنده زندگی مادی و معنوی و به‌ویژه مسائل اجتماعی شده است؛
- ب)** به تناسب عناوینی که در آیات مطرح می‌شود ذیل هر آیه بحث فشرده و مستقلی درباره موضوعاتی اجتماعی مانند ربا، بردگی، حقوق زن، فلسفه حج و اهداف جهاد اسلامی آمده است؛
- ج)** کوشش شده ترجمه ذیل آیات روان، سلیس، گویا و دقیق و در نوع خود جالب و رسا باشد؛
- د)** از اصطلاحات پیچیده علمی که نتیجه آن اختصاص کتاب به صنف خاصی است در متن کتاب دوری شده و هنگام ضرورت در پاورقی آمده تا برای دانش‌مندان و صاحب‌نظران نیز مفید باشد (همان: مقدمه، ۲۹).

۵. ابعاد اعجاز تشریحی قرآن در تفسیر نمونه

جاودانگی قرآن و لزوم تداوم نقش هدایت‌گری آن در همه عصرها و نسل‌ها از یک سو و تحولات شگرف در جامعه بشری و پدیدار شدن پرسش‌ها، شبهات و نیازهای جدید از سوی دیگر نیاز به تفاسیر معاصر را امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است. از این رو، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تفاسیر معاصر طرح شفاف و روشن دیدگاه قرآن درباره تحولات و دگرگونی‌های اجتماعی و پاسخ روزآمد به مسائل عصر حاضر است. شبهات دینی و دگرگونی‌های اجتماعی فراوانی از ناحیه غیر مسلمانان و خاورشناسان و حتی برخی مسلمانان در بسیاری از حوزه‌های دینی مطرح شده که پاسخی قانع‌کننده را می‌طلبد. شبهاتی هم‌چون حقوق بشر، آزادی اندیشه و بیان، حقوق زن و فمینیسم، رابطه دین و حکومت، رابطه علم و دین، حقوق اقلیت‌ها و روابط بین‌الملل نیازمند پاسخ و بازاندیشی است و مفسران قرآن می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند و در جای‌گاه مراجع فکری و دینی جوامع با توجه به توانایی و ایمان لازم دیدگاه قرآن درباره این مسائل را به‌خوبی روشن کنند.

از آن‌جا که توجه به اعجاز تشریحی قرآن در دوران معاصر به‌ویژه در تفاسیر قرآن گسترش بیش‌تری یافته، توجه به آیات احکام اجتماعی قرآن دارای اهمیت بیش‌تری

شده است. آیت‌الله مکارم نیز هم‌چون سایر مفسران به مناسبت‌های گوناگون وجوه گوناگون اعجاز قرآن و از جمله اعجاز تشریحی آن را مورد توجه قرار داده است. از نظر ایشان، یکی از مهم‌ترین ابعاد اعجاز تشریحی قرآن هماهنگی و نبودن اختلاف در قرآن است. در این باره ایشان می‌نویسد:

قرآن که در مدت ۲۳ سال بر طبق احتیاجات و نیازمندی‌های تربیتی مردم در شرایط و ظروف کاملاً مختلف نازل شده کتابی است که درباره موضوعات کاملاً متنوع سخن می‌گوید و مانند کتاب‌های معمولی که تنها یک بحث اجتماعی، سیاسی، فلسفی، حقوقی یا تاریخی را تعقیب می‌کند نیست، بلکه گاهی درباره توحید و اسرار آفرینش، و زمانی درباره احکام و قوانین و آداب و سنن، وقت دیگر درباره امت‌های پیشین و سرگذشت تکان‌دهنده آنان، و زمانی درباره مواعظ و نصایح و عبادات و رابطه بندگان با خدا سخن می‌گوید و، به گفته دکتر گوستاولبون، قرآن کتاب آسمانی مسلمانان منحصر به تعالیم و دستورهای مذهبی تنها نیست، بلکه دستورهای سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است؛ کتابی با این مشخصات عادتاً ممکن نیست خالی از تضاد و تناقض و نوسان‌های زیاد باشد، اما هنگامی که می‌بینیم با تمام این جهات همه آیات آن هماهنگ، خالی از هرگونه تضاد و اختلاف و ناموزونی است، به‌خوبی می‌توانیم حدس بزنیم که این کتاب زاینده افکار انسان‌ها نیست، بلکه از ناحیه خداوند است، چنان‌که خود قرآن این حقیقت را در آیه فوق بیان کرده است (همان: ۴/ ۲۸؛ مکارم، بی‌تا: ۳۰۹).

مکارم شیرازی هم‌چنین با رد انحصار اعجاز قرآن در فصاحت و بلاغت (اعجاز بیانی) معتقد است این سخن درستی نیست و جنبه‌های اعجاز قرآن بسیار متنوع و متعدد است؛ حتی ممکن است با گذشت زمان به جنبه‌های تازه‌ای از اعجاز قرآن برخورد کنیم که در گذشته بر ما روشن نبوده است. سپس برخی از وجوه اعجاز را برمی‌شمرد: اعجاز از نظر فصاحت و بلاغت، معارف و طرح مسائل عقیدتی، وضع قوانین برای موضوعات متعدد اجتماعی، علوم روز و مسائل ناشناخته علمی در عصر قرآن، پیش‌گویی‌ها و اخبار غیبی، نبودن اختلاف در آیات قرآن که در طول ۲۳ سال با دگرگونی‌های زمانی و مکانی نازل شده است (مکارم، ۱۳۸۶: ۱۱۳-۱۱۵؛ مکارم، ۱۳۷۴؛ ۱/ ۵۸-۸۳).

از آن‌جا که تحلیل همه وجوه اعجاز در تفسیر نمونه خارج از محدوده این مقاله است، هم‌چون بخش پیشین صرفاً به تحلیل «اعجاز تشریحی قرآن کریم» پرداخته می‌شود. از نظر آیت‌الله مکارم، قوانین قرآن خارج از محدوده زمان و مکان است و به گونه‌ای بیان شده که پاسخ‌گوی همه ادوار باشد؛ از این رو، ایشان معتقدند که قوانین قرآن با این‌که در محیطی عربی نازل شده، به هیچ وجه رنگ قبیلگی به خود نگرفته و حتی یک‌بار هم

خطاب «یا ایها العرب» در آن دیده نمی‌شود و همه جا سخن از عموم مردم است و خطاب‌ها به شکل «یا بنی آدم، ۵ مورد»؛ «یا ایها الناس، بیش از ۲۰ مورد»؛ «یا ایها الانسان، ۲ مورد»؛ «یا ایها الذین آمنوا، بیش از ۸۰ مورد» در قرآن آمده است (مکارم، ۱۳۸۶: ۲۴۹). همه این موارد نشان از اعجاز تشریحی قرآن دارد؛ تشریحاتی که شامل همه زمان‌ها، مکان‌ها و انسان‌ها می‌شود. آنچه در پی می‌آید نمونه‌هایی چند در این باره است.

برای نمونه، آیت‌الله مکارم درباره حکمت قانون چندهمسری معتقد است، مطابق آیه «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» (النساء: ۳)، رعایت عدالت در میان همسران واجب است؛ از طرفی طبق آیه «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ» (النساء: ۱۲۹) هیچ‌کس نمی‌تواند میان همسران خود در جنبه قلبی و درونی عدالت و مساوات برقرار سازد. ولی در جمع بین این دو آیه باید گفت: محبت‌های درونی مادامی که از جنبه‌های عملی موجب ترجیح بعضی از همسران بر بعضی دیگر نشود ممنوع نیست؛ وظیفه مرد رعایت عدالت در جنبه‌های عملی و خارجی است (مکارم، ۱۳۷۴: ۳/۲۵۶).

ایشان در ادامه به حکمت تعدد زوجات اشاره می‌کنند و با حصول شرایطی وجود آن را در جامعه ضروری می‌دانند و معتقدند قوانین اسلام بر اساس نیازهای واقعی بشر است، نه تبلیغات ظاهری و احساسات رهبری‌نشده؛ مسئله تعدد زوجات نیز از همین زاویه در اسلام بررسی شده است؛ زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که مردان در حوادث گوناگون زندگی بیش از زنان در خطر نابودی قرار دارند، در جنگ‌ها و حوادث دیگر قربانیان اصلی را آن‌ها تشکیل می‌دهند، عمر زندگی جنسی مردان از زنان طولانی‌تر است. هم‌چنین زنان عملاً ممنوعیت جنسی دارند و زنانی هستند که همسران خود را به علل گوناگونی از دست می‌دهند و معمولاً نمی‌توانند در جای‌گاه همسر اول مورد توجه مردان قرار گیرند و اگر مسئله تعدد زوجات در کار نباشد آن‌ها باید برای همیشه بدون همسر باقی بمانند؛ این دسته از زنان بیوه با محدود شدن مسئله تعدد زوجات از نابسامانی زندگی خود شکایت دارند و جلوگیری از تعدد را نوعی احساسات‌ظالمانه درباره خود تلقی می‌کنند (همان: ۳/۲۵۷؛ ۳/۳۳۳).

مسئله «ازدواج موقت» از دیگر احکام اجتماعی و تشریحی قرآن است؛ مجاز بودن و نبودن آن و بیان حکمت‌ها و احیاناً مفاسد اجتماعی آن از مسائلی است که مطمح نظر دانش‌مندان و از جمله مفسران قرآن بوده است. آیت‌الله مکارم نیز به این مسئله پرداخته و آن را یکی از احکام مهم اجتماعی قرآن و نشانه اعجاز تشریحی قرآن دانسته است (همان: ۳/۳۳۵-۳۳۷).

از مهم‌ترین قوانین اجتماعی دیگری که از نظر مؤلف تفسیر نمونه از مصادیق اعجاز تشریحی قرآن به شمار می‌آید پرداختن قرآن به «مسائل اقتصادی جامعه» است. از نظر آیت‌الله مکارم، آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (النساء: ۲۹) زیربنای قوانین اسلامی در مسائل مربوط به معاملات و مبادلات مالی است. ایشان ادامه می‌دهد: به همین دلیل فقهای اسلام در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می‌کنند، زیرا مطابق آیه هر گونه تصرف در مال دیگری که بدون حق و بدون مجوز منطقی و عقلانی باشد ممنوع شناخته شده و همه ذیل مفهوم وسیع «باطل» قرار گرفته است. ایشان سلامت اجتماع را به سلامت اقتصاد آن وابسته دانسته و، از این رو، قرآن با یک حکم کلی و در کوتاه‌ترین عبارت به آن اشاره کرده است (همان: ۳۵۵؛ ۲۰۰-۲۰۴؛ ۲۸۹/۱۹؛ ۵۰۷/۲۳). ایشان هم‌چنین پی در پی آمدن دو حکم «قتل نفس» و «تصرف باطل و ناحق در اموال مردم» در آیه مزبور را اشاره به یک نکته مهم اجتماعی دانسته و آورده‌اند که: اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و در اموال یک‌دیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و انتحار خواهد شد، و علاوه بر این که انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است (همان: ۳/۳۵۷).

شایان ذکر است از نظر رشیدرضا اضافه شدن واژه «اموال» به ضمیر جمع مخاطب «کم» در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (النساء: ۲۹) نکته لطیفی در بر دارد و آن نشانه وجود «مسئولیت مشترک آحاد امت در قبال اموال هم‌دیگر» است. وی ادامه می‌دهد: اسلام مال هر یک از مسلمانان را مال همه امت شمرده، ضمن احترام به مالکیت فردی و حفظ حقوق آن، حقوقی معین را برای مصالح عمومی و بیچارگان بر توان گران امت واجب فرموده است. وی اقتصاد و ثروت را مایه قوام زندگی اجتماعی به شمار می‌آورد و ترغیب مردم به زهد را، به این دلیل که موجب سستی، کسالت و ضعف مسلمانان می‌شود، مذمت می‌کند. او سپس بر اساس آیات قرآن اصولی را برای اصلاح امور اقتصادی پیش‌نهاد می‌کند (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۴/۵).

یکی دیگر از قوانین مهم اقتصادی قرآن از منظر مؤلف تفسیر نمونه حکم تحریم ربا، نتایج رباخواری و عذاب‌هایی است که در برخی آیات برای رباخواری معرفی شده است. ایشان ذیل آیه «لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً» (آل عمران: ۳۰) می‌نویسد:

تعبیر «أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً» اشاره به تحریم ربا فاحش دارد؛ منظور از ربا فاحش این است که سرمایه به شکل تصاعدی در مسیر ربا سیر کند؛ یعنی سود در مرحله نخستین

با اصل سرمایه ضمیمه شود و مجموعاً مورد ربا قرار گیرند، و به همین ترتیب در هر مرحله سود به اضافه سرمایه سرمایه جدیدی را تشکیل دهد و به این ترتیب در مدت کمی از راه تراکم سود مجموع بدهی بده کار به چندین برابر اصل بدهی افزایش می‌یابد (مکارم، ۱۳۷۴: ۳/ ۸۷-۸۸).

ایشان سپس ریشه این امر نامطلوب اجتماعی را زمان جاهلیت می‌داند، زیرا در آن زمان نیز اگر بده کار در زمان موعد نمی‌توانست بدهی خود را بپردازد از طلب کار تقاضا می‌کرد که مجموع سود و اصل بدهی را به شکل سرمایه جدیدی به او قرض بدهد و سود آن را بگیرد (همان: ۳/ ۸۸-۸۹؛ ۲/ ۳۶۵). بنابراین، خداوند با حکم تحریم ربا به صورت قاطعانه تمام مفاسد آن را از ریشه از بین می‌برد (مکارم، ۱۳۸۷: ۱/ ۱۵۷-۱۶۹؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ۲/ ۲۵۱).

در مقابل ربا (که جامعه را به فساد می‌کشد و قلوب را از هم دور می‌کند) خداوند مردم را تشویق می‌کند که به هم «انفاق» کنند؛ با این کار نه تنها مشکلات نیازمندان با هم‌یاری یک‌دیگر حل می‌شود، بلکه قلوب بندگان بیش از پیش به هم نزدیک می‌شود. صاحب تفسیر نمونه این قانون اجتماعی جامعه‌ساز را مورد توجه قرار داده و معتقد است توصیه فراوان قرآن به این مسئله یکی از مصادیق اعجاز تشریحی قرآن است؛ انفاق حقیقتی کلی و قانونی جامعه‌ساز است و سبب نجات جامعه از مفاسد کشنده است؛ زیرا هنگامی که انفاق به فراموشی سپرده شود و ثروت‌ها در دست گروهی معدود جمع شود و در برابر آنان اکثریتی محروم وجود داشته باشند، دیری نخواهد گذشت که انفجار عظیمی در جامعه رخ می‌دهد که نفوس و اموال ثروت‌مندان هم در آتش آن خواهد سوخت و از این‌جا رابطه مسئله انفاق و پیش‌گیری از هلاکت روشن می‌شود. بنابراین انفاق، قبل از آن‌که به حال محرومان مفید باشد به نفع ثروت‌مندان است، زیرا تعدیل ثروت حافظ ثروت است (مکارم، ۱۳۷۴: ۲/ ۳، ۳۸-۴۰).

امیر مؤمنان علی (ع) در یکی از کلمات قصارشان به این حقیقت اشاره فرمودند: «حَصَّتُوا أَمْوَالَكُم بِالزَّكَاةِ»: اموال خویش را با دادن زکات حفظ کنید (سید رضی، ۱۴۱۴: حکمت ۱۴۶)؛ زیرا خودداری از انفاق هم سبب مرگ روح انسانی به سبب بخل خواهد شد و هم موجب مرگ جامعه به سبب عجز و ناتوانی؛ به‌ویژه در نظامی هم‌چون نظام اسلام که بر نیکوکاری بنا شده است (قطب، ۱۴۱۲: ۱/ ۲۷۵-۲۷۶).

گفتمان آزادی بیان و تبیین روش و قانون قرآن در این باره از دیگر مسائلی است که توجه مفسران قرآن را به خود جلب کرده است. عموم مفسران ذیل آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (البقره: ۲۵۶) و آیاتی دیگر (یونس: ۹۹؛ الانعام: ۱۰۵-۱۰۶؛ الغاشیه:

۱۵-۲۲؛ ق: ۴۵؛ الزمر: ۱۸-۱۹) به تبیین این مسئله اجتماعی می‌پردازند و تشریح آزادی بیان در قرآن را نشانه مترقی بودن آن می‌دانند (مکارم، ۱۳۷۴: ۲/۲۸۱؛ ۱۹/۱۲؛ قطب، ۱۴۱۲: ۵/۳۰۴؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۶/۴۰۳-۴۰۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۹/۳۱۹، ۴۱۲). در همین باره، مغنیه ذیل آیه «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً...» (البقره: ۳۰) از این‌که خداوند به ملائکه اجازه اعتراض داده است آزادی بیان را نتیجه می‌گیرد (مغنیه، ۱۴۲۴: ۱/۸۱). آیت الله مکارم شیرازی این آیه را پاسخ دندان‌شکنی می‌داند به آن‌هایی که تصور می‌کنند اسلام در بعضی از موارد جنبه تحمیلی و اجباری داشته و با زور و شمشیر و قدرت نظامی پیش رفته است. ایشان اذعان می‌کنند جایی که اسلام اجازه نمی‌دهد پدری فرزند خویش را برای تغییر عقیده تحت فشار قرار دهد تکلیف دیگران روشن است؛ اگر چنین امری مجاز بود لازم بود این اجازه قبل از هر کس به پدر درباره فرزندش داده شود، در حالی که چنین حقی به او داده نشده است. سپس ادامه می‌دهند که این حکم جامعه‌ساز جاودانی و هماهنگ با منطق عقل نیز هست (مکارم، ۱۳۷۴: ۲/۲۸۰). ایشان هم‌چنین در جایی دیگر اشاره می‌کنند که در اسلام بر مسئله هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان آسمانی دیگر تأکید شده و در آیات و روایات و فقه اسلامی بحث‌های مشروحی در این زمینه با عنوان «احکام اهل ذمه» آمده است. اگر اسلام طرفدار تحمیل عقیده و توسل به زور و شمشیر برای پیش‌رفت اهدافش بود، قانون اهل ذمه و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز چه معنایی داشت (همان: ۲۱/۴۱۰).

علامه طباطبایی نیز ضمن توجه به این حکم و دستور اجتماعی به مقایسه معنای آزادی در اسلام و تمدن غربی می‌پردازد و ضمن پذیرفتن آزادی در اظهار عقیده برخی انحرافات در این باره را رد و محدوده آزادی در اسلام را مشخص می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۱۱۶). توجه قرآن به رفتارهای فردی که نتیجه آن در جامعه و روابط بین افراد تأثیر دارد در آیات زیادی منعکس شده است. آیت الله مکارم ضمن تفسیر این‌گونه آیات اهمیت آن احکام را در روابط اجتماعی گوش‌زد کرده‌اند. برای نمونه، ایشان ذیل آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات می‌نویسد:

هرگاه دستورهای شش‌گانه‌ای که در این آیات مطرح شده (نهی از سخریه، عیب‌جویی، القاب زشت، گمان بد، تجسس و غیبت) به طور کامل در یک جامعه پیاده شود آبرو و حیثیت افراد جامعه را از هر نظر بیمه می‌کند؛ نه کسی می‌تواند به عنوان خودبرتربینی دیگران را وسیله تفریح و سخریه قرار دهد، و نه می‌تواند زبان به عیب‌جویی این و آن بگشاید، و نه با القاب زشت حرمت و شخصیت افراد را در هم بشکند؛ نه حق دارد حتی

گمان بد ببرد، نه در زندگی خصوصی افراد به جست‌وجو پردازد، و نه عیب پنهانی آن‌ها را برای دیگران فاش کند. به تعبیر دیگر، انسان چهار سرمایه دارد که همه آن‌ها باید در دژهای این قانون قرار گیرد و محفوظ باشد: جان، مال، ناموس و آبرو. تعبیرات آیات فوق و روایات اسلامی نشان می‌دهد که آبرو و حیثیت افراد هم‌چون مال و جان آن‌ها است، بلکه از بعضی جهات مهم‌تر است! اسلام می‌خواهد در جامعه اسلامی امنیت کامل حکم‌فرما باشد؛ نه تنها مردم در عمل و با دست به یک‌دیگر هجوم نکنند، بلکه از نظر زبان مردم، و از آن بالاتر، از نظر اندیشه و فکر آنان نیز در امان باشند و هر کس احساس کند که دیگری حتی در منطقه افکار خود تیرهای تهمت را به سوی او نشانه‌گیری نمی‌کند، و این امنیتی است در بالاترین سطح که جز در یک جامعه مذهبی و مؤمن امکان‌پذیر نیست (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۸۶/۲۲).

از نظر دانش‌مندان شیعه احکام حلیت و حرمت مربوط به مصالح و مفاسد واقعی اشیاست، هرچند انسان‌ها علت واقعی آن را نمی‌دانند. خداوند در آیات زیادی به این امر اشاره کرده است؛ از جمله در آیه ۲۱۶ بقره: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» معلومات انسان را ناچیز شمرده، به گونه‌ای که تشخیص صلاح و فساد خود را نیز ندارد. آیت‌الله مکارم با استناد به این آیه معتقد است افراد بشر نباید فقط تشخیص خودشان را در مسائل مربوط به سرنوشتشان حاکم کنند و به تقدیرات الهی و یا فرامین خداوند درباره مسئله‌ای خاص بی‌اعتنا باشند، چرا که علم آن‌ها از هر نظر محدود و ناچیز است و معلوماتشان در برابر مجهولات هم‌چون قطره‌ای در برابر دریاست، و همان‌گونه که در قوانین تکوینی خداوند از اسرار و دانش آفرینش همه اشیا باخبر نیستند، در قوانین تشریحی نیز بسیاری از مصالح و مفاسد را نمی‌دانند. لذا ممکن است چیزی را ناخوشایند دارند، در حالی که سعادت آن‌ها در آن است یا از چیزی خوشنود باشند در حالی که بدبختی آن‌ها در آن است. آن‌ها با توجه به علم محدود خود در برابر علم بی‌پایان خداوند نباید در برابر احکام الهی روی در هم کشند؛ باید به طور قطع بدانند که اگر خدا جهاد، زکات، روزه، حج و ... را تشریح کرده به سود آن‌هاست. توجه به این حقیقت روح انضباط و تسلیم در برابر قوانین الهی را در انسان پرورش می‌دهد و درک و دید او را از محیط‌های محدود فراتر می‌برد و به نامحدود یعنی علم بی‌پایان خدا پیوند می‌دهد (همان: ۱۰/۲۰).

بنابراین، با توجه به آنچه گذشت باید گفت: از مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر نمونه تبیین اعجاز قرآن در بعد تشریح و قانون‌گذاری است؛ از این رو، رویکرد آیت‌الله مکارم به مسائل اجتماعی و سیاسی و توجه به قوانین شریعت و به‌ویژه قرآن در جهت سامان دادن به مسائل

اجتماعی است. از نظر ایشان با گذر زمان تحولات فراوانی در عصر جدید رخ می‌دهد و انسان موفق باید بلافاصله از آن‌ها آگاه شود و آن‌ها را اصلاح کند. ایشان بر این باورند که بین احکام اسلام و دنیای معاصر و تمدن جدید هیچ تنافی و تضادی نیست، زیرا این احکام از منشأ زلال خداوندی صادر شده که هم خالق انسان‌ها و هم منشأ قوانین و حقوق است.

۶. نتیجه‌گیری

الف) اعجاز تشریحی از مهم‌ترین وجوه اعجاز قرآن کریم است؛ به این معنا که احکام شرعی قرآن در هر دو بعد فردی و اجتماعی دارای ویژگی‌هایی است که هیچ بشری قادر به عرضه‌ی هماوردی برای آن نیست. هماهنگی قرآن با عقل و فطرت بشری، توجه به تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، مبرا بودن قرآن از وجود هر گونه تناقض، ارائه آن توسط فردی درس ناخوانده، توافق قوانین قرآن با علم و فرازمانی و فرامکانی بودن احکام قرآن و ... زمینه‌ساز اعجاز تشریحی شده است.

ب) باتوجه به بررسی‌ها و تحلیل‌های انجام‌شده در تفاسیر المنار و نمونه می‌توان گفت این تفاسیر با رویکرد اجتماعی - تربیتی نوشته شده‌اند و هر دو تفسیر تلاش می‌کنند تا وجوه اعجاز قرآن و از همه مهم‌تر اعجاز تشریحی آن را بیش از پیش آشکار کنند.

ج) مفسران المنار در تفسیر آیات تشریحی قرآن گاه ظواهر احکامی را که با نگرش مصلحت‌اندیشانه عرفی هم‌گون نبوده است توجیه می‌کنند و در واقع عنصر تأویل را در مصلحت در تشریحات دخالت می‌دهند و معتقدند در آنچه نص قاطع در دست نیست نگرش‌های عقلانی بر ظهور ادله نقلی مقدم می‌شود؛ این امر به نوبه خود می‌تواند منجر به تأویل‌های ناصحیح شود.

د) نویسندگان تفاسیر المنار و نمونه در تلاش‌اند بین قرآن و تمدن جدید بدون تقید خاص آشتی دهند و برتری قوانین قرآن را بنمایانند. در واقع، تلاش رشیدرضا در پاسخ به ناسازگاری احکامی چون قصاص، دیات، ارث، حقوق زن و شراب‌خواری با تجربه‌های تمدن غربی نمونه‌هایی از این نوع تلاش محسوب می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. احکام عَرَضی احکامی‌اند که ذاتاً مراد نیستند، بلکه به سبب مصالح و مفاسد عارضی و به نحو فرعی در حاشیه احکام ذاتی مطرح شده‌اند.

۲. احکام ذاتی احکامی اند که به نحو تعبدی و مستند به نص قاطع شرعی حرام یا واجب شمرده شده‌اند.

۳. در مقدمه جلد اول، این تفاسیر از مآخذ تفسیر نمونه معرفی شده است: مجمع البیان، طبرسی؛ انوار التنزیل، بیضاوی؛ الدر المنثور، سیوطی؛ البرهان، بحرانی؛ المیزان، علامه طباطبایی؛ المنار، رشیدرضا؛ فی ظلال القرآن، سید قطب؛ تفسیر مراغی، مصطفی مراغی.

منابع

قرآن کریم.

- احسائی، ابن ابی جمهور (بی تا). *عوالی الثالی*، قم: سیدالشهدا.
- اسعدی، محمد و همکاران (۱۳۸۹). *آسیب شناسی جریان‌های تفسیری*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- امین، احمد (۱۹۶۰). محمد عبده، قاهره: مؤسسه الخانجی.
- باقلائی، محمد بن طیب (بی تا). *اعجاز القرآن*، تحقیق: احمد صقر، قاهره: دارالمعارف.
- بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ق). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت.
- تاج آبادی، مسعود (۱۳۹۲). *المنار در آینه المیزان*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسنی، اسماعیل (۱۳۸۳). *مقاصد شریعت از نگاه ابن عاشور*، ترجمه مهدی مهریزی، تهران: صحیفه خرد.
- خوئی، ابوالقاسم (بی تا). *البیان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- رشیدرضا، محمد (۱۹۳۱). *تاریخ الاستاذ الامام، مصر: المنار*.
- رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰). *تفسیر المنار، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب*.
- رومی، فهد بن عبدالرحمن (۱۴۰۷ق). *منهج المدرسة العقلية الحديثة فی التفسیر، العربية السعودية: إدارات البحوث العلمية و الافتاء*.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۴۰۹ق). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت.
- شلنتوت، محمود (بی تا). *الاسلام عقیده و شریعت*، بیروت: دار الشروق.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۴). «فقه و مقاصد شریعت»، *مجله فقه اهل بیت (ع)*، س ۱۱، ش ۴۱.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *المستصفی فی علم الأصول*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق). *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- قطب، سید (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹). *التفسیر و المفسرون*، ترجمه علی خیاط و علی نصیری، قم: مؤسسه التمهید.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵ق). *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷). *تفسیر به رأی*، تهران: مطبوعاتی هدف.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). *امثال القرآن*، قم: مطبوعاتی هدف.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا). *قرآن و آخرین پیامبر*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.